یادداشت

رسول سنائی‌راد

جام زهری که مشتاقان مذاکره به‌دست امام(ره) دادند

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در روز ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ جنگ هشت ساله تحمیلی بر ایران اسلامی که از سوی رژیم بعثی و دولت صدام از شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شده بود، به شکل رسمی پایان یافت. این قطعنامه در شرایطی پذیرفته شد که مثلث شرارت حزب بعث عراق، منافقین و امریکای جنایتکار به دنبال تغییر موازنه جدیدی در جنگ و فشار مضاعف بر جمهوری اسلامی بودند که از جنگ شهرها و به کارگیری تسلیحات نامتعارف و کشتار جمعی توسط متجاوزان عراقی تا فریب و رخنه منافقین به خطوط دفاعی رزمندگان اسلام و زدن سکوهای نفتی و حمله به هواپیمای مسافربری توسط نیروهای تروریست و مداخله‌گر امریکا، برای تحقق آن دنبال می‌شد.

در همان حال عدم تمرکز دولتمردان کشورمان بر جنگ به عنوان مسئله اصلی و اشتغال آنان به سیاست‌بازی و دلخوش کردن به تعیین سرنوشت جنگ در مذاکره پس از یک حمله نظامی موفق، شرایطی بر جبهه‌های جنگ تحمیل کرده بود که بی‌شباهت به وضعیت میدان جنگ اقتصادی فعلی‌مان نبود. از این رو صدام به جز یک سال اول جنگ تحمیلی خود، در لاک دفاعی فرو رفته و تجربه تلخ و ذلت‌بار دفاع محرک را نیز در خاطره داشت، همواره موضع دفاعی و انفعالی اتخاذ کرده و به تقویت خطوط دفاعی خود و مسلح کردن زمین برای ممانعت از هجوم رزمندگان اسلام دلخوش کرده بود. این رزمندگان ایرانی بودند که سالیان عمده جنگ در موضع تهاجمی بودند اما پس از عملیات کربلای پنج در دی‌ماه ۱۳۶۵ عملاً وضعیت روزمرگی و رکود بر جبهه‌ها حاکم بوده و جنگ شکل فرسایشی به خود گرفت.

برخی از تحلیل‌گران این شرایط را ناشی از نوعی توافق بین قدرت‌های جهانی آن موقع یعنی امریکا و شوروی سابق برای بهره‌گیری از مواهب چنین وضعیتی و در رأس آن پر رونق نگه داشتن بازار فروش سلاح و توجیه حضور در منطقه راهبردی خلیج‌فارس می‌دانند که با آسودگی خیال از قدرت ارتش تجهیز شده عراق و سلاح‌های مدرن اهدایی به آن که می‌توانست جنگ را در پشت خاکریزها نگه داشته و رژیم صهیونیستی نیز در حاشیه آتش این جنگ نگرانی کمتری از آینده خود داشته باشد، راهبرد فرسایشی شدن و تداوم جنگ را دنبال می‌کردند اما این شرایط طمع رژیم بعثی و حامیان او را برای تغییر موازنه و خروج از این شرایط برانگیخت. با این طمع بود که ابتدا منافقین با اتخاذ سیاست تهاجمی با استفاده از زبان فارسی و لباس خاکی و فریب رزمندگان ایرانی با نفوذ و فتنه در چند نقطه پیشروی‌های محدودی داشتند و سپس ارتش صدام نیز شیوه تهاجم و حمله را جایگزین دفاع و استقرار کرده و با به‌کارگیری زیرساخت‌ها و تمهیدات حدوداً دو ساله خود ابتدا شهر فاو را در فروردین ۱۳۶۷ و سپس جزیره مجنون را در تیرماه همان سال بازپس گرفته و روزهای بعد هوس بازگشت به ابتدای جنگ و گرفتن دوباره خرمشهر را داشت.

در همین حال جانبداری امریکای جنایتکار و حمایت‌های دولت‌های غربی و ورود مستقیم امریکا به جنگ و تقویت جبهه صدامیان، شرایطی را پدید آورد که برخی مسئولان ایرانی به حضرت امام خمینی(ره) پیشنهاد پذیرش آتش‌بس و قطعنامه را دادند.

حضرت امام(ره) نیز با اعتماد به همین مسئولان و کارشناسان بود که مصلحت کشور را در پذیرش قطعنامه و پایان دادن به جنگی تشخیص دادند که پیش‌تر از آن به‌عنوان جنگ بین حق و باطل یاد کرده و غفلت از آن را موجب ذلت می‌دانستند.

از این رو گرچه پذیرش قطعنامه در پیوند با مصلحتی بزرگ‌تر از اهداف ادامه دفاع انجام شده بود، اما حضرت امام از آن با تعبیر جام زهر یاد کرده و قبول مرگ و شهادت را از آن گواراتر برشمردند. ذکر این نکته از سوی امام راحل(ره) که «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به‌واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد» گویای قصورات و غفلت‌های داخلی در پدید آمدن این شرایط شده که البته در آن مقطع حساس قابل بیان نبوده است چراکه ۱-اختلاف و شکاف را به داخل می‌کشاند و موجب تفرقه و بدبینی بین کسانی می‌شد که باید در یک جبهه علیه دشمنی که هنوز دست از تجاوز و جنایت برنداشته بود و احتمال تداوم تهاجم او متصور بود، می‌جنگیدند.

۲-فضای احساسی و شور ناشی از هشت سال جنگ و رزمندگی، خطر برخوردهای هیجانی و احساسی را قطعی ساخته و احتمال برخوردهای غیرمنطقی و دوقطبی‌شدن جامعه زیاد بود.

۳-نظر به اینکه برخی گروه‌ها و جریانات داخلی اعتقادی به جنگ نداشته و یا در مراحلی از آن، نگاه متفاوت از امام(ره) داشتند، هر پیامی که نگاه‌ها را از خباثت دشمن و دشمنان اصلی به داخل می‌کشاند، می‌توانست مشروعیت دفاع هشت ساله را با تردید مواجه سازد.

از این رو بود که حضرت امام(ره) با گذشتن از آبرو برای حفظ نظام و مصلحت کشور خودشان مسئولیت پذیرش قطعنامه را پذیرفته و با نوشیدن جام زهر خطر اختلاف و جنگ داخلی را از کشور دور ساخته و مجال فرصت‌طلبی را از صدام نیز گرفته و حتی موجب تحیر و سرگردانی حامیان او شدند که با تصور ادامه جنگ، چنان سخاوتمندانه به تجهیز او پرداخته بودند که از دوراندیشی لازم برای مدیریت این دیکتاتور توسعه‌طلب غافل شده و بعداً مجبور شدند به همان اندازه برای مهار او و سد پیشروی‌اش به سمت حامیان و متحدان منطقه‌ای دیروز هزینه کنند.

صدام اگر در جنگ علیه ایران، ادعاهای واهی ارضی مطرح کرده و موجب تشویق و حمایت دولت‌های عربی دیکتاتور و وابسته قرار گرفته بود، پس از جنگ ادعاهایی پررنگ‌تر نسبت به حامیان عربی خویش به‌ویژه کویت و عربستان داشت و همین ادعاها موجب بروز جنگ از سوی او علیه آنهایی شد که در جنگ او علیه جمهوری اسلامی، جملگی به حمایت از او برخاسته و در جبهه باطلشان علیه انقلاب اسلامی به او حکم سردار قادسیه داده و وی را به طلایه‌داری خویش برگزیده بودند.

اما پایان جنگ، اشتباهات محاسباتی حامیان صدام را برملا ساخت، گرچه عقلانیت و نبوغ لازم را برای عبرت‌آموزی نداشتند و باز در پیوند بعثیون باقی مانده تا تروریست‌های داعشی آنان را مجاهد خوانده و پشتشان ایستادند. این رسوایی‌ها نیز از برکات جنگ و تدابیر امام راحل(ره) به حساب می‌آید.

خبر آخر

کدخدایی: برخی انتقادات از شورای نگهبان بر اساس خبر کذب است

سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه هجمه‌ها نسبت به شورای نگهبان زیاد است، گفت: انتقادات برخی دوستان مطابق خبر صحیح و دقیقی نیست بلکه بر اساس اخبار کذب است.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در پاسخ به این سؤال که همگان آقای کدخدایی را به صبوری می‌شناسند؛ چه شد که اخیراً کسانی را که افترا وارد کردند، به قیامت حواله دادید، اظهار کرد: هجمه‌ها نسبت به شورای نگهبان زیاد است، در گفت‌وگو با اعضا اشاره داشتم که وقتی امریکا اعضای شورای نگهبان را تحریم می‌کند، اهمیت جایگاه این شورا هم روشن می‌شود.

کدخدایی تصریح کرد: از دشمنان انتظار نداریم، ولی از دوستان انتظار داریم که حداقل حقایق را به درستی ببینند، اخبار را به درستی رصد کنند و اگر قرار است انتقادی داشته باشند- که ما هم انتقاد پذیریم- انتقادها بر اساس اخبار صحیح باشد، آنچه گاهی موجب گلایه می‌شود این است که نکاتی که برخی افراد مطرح می‌کنند در قالب انتقاد، صحت ندارد و خبر صحیح و دقیقی نیست و بر اساس خبر کذب است و تحلیل‌های مختلفی را که گاهی در رسانه‌ها می‌بینیم و یا در برخی تریبون‌های رسمی می‌شنویم، همان‌طور که آیت‌الله جنتی اعلام کرد اینها خللی در اراده اعضای شورای نگهبان و در انجام وظیفه قانونی آنان ایجاد نخواهد کرد.

تحلیل

کبری آسوپار

شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان چگونه از انفعال خارج می‌شود

ابهام ناگزیر یا آشفتگی خودساخته اصلاح‌طلبان!

مبهم، آشفته و سردرگم؛ این وضعیت کنونی و آینده جمعی است که در سال‌های اخیر دور هم جمع شدند و خود را «شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان» نامیدند؛ شورایی که با انتقادات گوناگون از سوی اصلاح‌طلبان مواجه شد و فراز و نشیب‌ها پشت سر گذاشت تا سرانجام حتی برخی اصلاح‌طلبان اصل «شورا» بودن آن را هم منکر شدند و تصریح کردند که خاتمی و عارف آرای داخل شورا را «مهندسی» و برای این کار، بعضی‌ها را که «حزب نبودند» وارد شورا می‌کردند. حالا شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان چند ماهی می‌شود که رئیس ندارد. محمدرضا عارف پس از انتخابات دوم اسفند ۹۸ استعفا کرد، نایب رئیس شورا هم عبدالواحد موسوی لاری بود که از اوایل اردیبهشت ۹۸ از سمت خود در این شورا کناره‌گیری کرده است. حالا برخی اصلاح‌طلبان برای شورای سیاستگذاری رؤسای جدید پیشنهاد می‌دهند؛ برخی دیگر تغییر شورا را در تعطیلی آن می‌دانند و برخی دیگر همچنان پی بازگرداندن محمدرضا عارف به شورایی هستند که بخشی دیگر از اصلاح‌طلبان معتقدند به خاطر مدیریت غلط عارف زمین خورد و معلوم هم نیست کدام سو حق دارند.

■ آینده مبهم؛ کسی حاضر نیست رئیس شود!

برای ریاست شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان گزینه‌های متعددی پیشنهاد می‌شوند. «بهزاد نبوی» و «عبدالله نوری» دو نفر از این افراد هستند. آنها خود در مورد اینکه گزینه ریاست شورا باشند، سکوت کرده‌اند، اما موافق و مخالف حرف‌ها و تحلیل‌های خودشان را دارند. «حسین مرعشی» سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی نبوی را گزینه ایده‌آل برای ریاست شورای عالی سیاستگذاری دانسته که طیف‌های مختلف اصلاح طلب او را قبول دارند، بن‌بست‌شکن است و به نقش جبهه اصلاحات و انتخابات آینده باور دارد و در نهایت پیام انتخاب وی می‌تواند ترمیم شکاف‌های موجود در عرصه قدرت باشد. جواد امام و غلامحسین کرباسچی هم از حامیان ریاست عبدالله نوری بر شورای مذکور هستند. البته کرباسچی بعد از انتخابات مجلس یازدهم نسبت به اصل وجود شورا ابراز تردید کرد. اصلاح‌طلبانی هم هستند که عبدالله نوری را تندرو می‌دانند.

خبرگزاری ایرنا در گزارشی می‌نویسد: «بهزاد نبوی هم گزینه مهم دیگری است که تمام قد از مشارکت فعال در انتخابات با هر کیفیتی از تأیید صلاحیت اصلاح‌طلبان دفاع کرده است و شاید به همین دلیل است که احزابی چون کارگزاران که با وی هم عقیده هستند؛ او را گزینه معتدل‌تر و بهتری برای ریاست بر آن بدانند. اینکه اما نبوی ۷۸ ساله تا چه اندازه این پیشنهاد را جدی بگیرد چندان روشن نیست.»

محسن هاشمی و مجید انصاری و حتی خود عارف هم گزینه‌های دیگری هستند که نام‌شان شنیده می‌شود.

اختلافات اصلاح‌طلبان بر سر ساختارها عمیق است و در این مسیر برخی همچون آذر منصوری معتقد هستند که بحث درباره ریاست شورا بحث فرعی و حاشیه‌ای است.

■ شورا یا ویترین دموکراسی؟

اما اصلاح‌طلبان با مسئله دیگری هم در مورد شورای سیاستگذاری مواجه هستند؛ آن اینکه آیا اصل وجود چنین شورایی برای هماهنگی اصلاح‌طلبان مفید و در قوت حضور انتخاباتی آنان دارای تأثیرگذاری مثبت خواهد بود؟ چندی قبل هادی غفاری در بخشی از گفت‌وگوی تفصیلی خود با روزنامه شرق از مهندسی آرا در شورای عالی سیاستگذاری توسط خاتمی و عارف گفته بود: «ما با پدرسالاری سیاسی مخالف هستیم؛ حتی مجمع روحانیون هم نباید نقش پدرسالار را بازی کند و یکی از احزاب شورای عالی است. آنها حق ندارند برای بقیه تعیین تکلیف کنند. احزابی که خط‌مشی اصلاح‌طلبی را پذیرفته‌اند، رایزنی کنند و با جلسات کارشناسانه و منطقی، ایده‌های خود را بیان کنند و با رأی‌گیری تصمیم‌ها گرفته شود. احزاب هم رأی مضاعف ندارند. بعضی از احزاب رأی خودساخته دارند، وقتی از یک حزب پنج نفر شرکت می‌کردند، بعضی‌ها هم حزب نبودند که با مصلحت‌اندیشی برادر عزیزمان آقای خاتمی و آقای عارف، در جلسات شرکت کردند و این کار قطعاً مهندسی آراست.»

آنچه هادی غفاری می‌گوید در واقع تکذیب شورایی عمل نکردن شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان است. او عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام و عضو شورای عالی اصلاح‌طلبان است و به همین دلیل ذی نفع محسوب شده و می‌توان نظرش را راحت به همین سبب رد کرد. اما محمدرضا تاجیک، تئوری‌پرداز اصلاح‌طلب هم همین نظرات را پیش‌تر و صریح‌تر در گفت‌وگو با روزنامه شرق گفته بود: «شورای عالی اصلاح‌طلبی از همان آغاز شورایی بود برای «شور» نکردن، برای «عالی» نبودن و برای «اصلاح‌طلب» نبودن. در درون این شورا، از همان آغاز «شوراها» برپا بود و بازی زبانی هفتاد و دو گروه و حزب و شخصیت. بنابراین از همان آغاز در پس و پشت هر تصمیم و تدبیر، هر ورود (عضویت) و خروجی (عدم عضویت)، هر موضع و مواضعی، هر استراتژی و تاکتیکی، هر ائتلاف و انفصالی و بالاخره هر دم و بازدمی، نوعی تنازع قدرت و بقا نقش بازی می‌کرد... صریح بگویم، امروز «تغییر» این شورا در «تعطیلی» آن است».

> **در اردوگاه اصلاح‌طلبان آینده مبهم است؛ همه چیز آشفته است و همه سردرگم هستند؛ آیا این وضعیت ناگزیر آنان است یا بزرگان تکرار کننده، ترجیح می‌دهند فضا به هم ریخته باشد تا روی این ابهام و آشفتگی و سردرگمی، قهرمان تکرارهای به ظاهر نظم دهنده و روشن کننده باشند؟ تا شب انتخابات از راه برسند و با یک دستور از بالا، همه را دیکتاتورمآبانه خاموش و منصرف کنند و در شور وحدت و هیجان انتخاباتی، کسی هم حواسش نباشد که چه سنگ بزرگی به شیشه دموکراسی‌طلبی اصلاحات خورده است؟**

غلامحسین کرباسچی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی هم از اساس، نه فقط این شورا را فاقد «ماهیت» خواند و حتی تصریح کرد که «معلوم نیست اعضای آن چه کسانی هستند»، بلکه معتقد است که «معلوم نیست اصلاح‌طلبان چه کسانی هستند و می‌خواهند چه کنند.» او در مورد شورا هم گفته: «شورای عالی سیاستگذاری برای فعالیت در انتخابات ایجاد شد، اما وسط انتخابات گفتند در انتخابات شرکت نمی‌کنند. الان معلوم نیست که کی به کی است... یک شورا در شرایطی ایجاد می‌شود که افرادی براساس اهداف مشترک دور هم جمع شوند. اگر نمی‌خواهند در انتخابات شرکت کنند، ایجاد شورا هم معنایی ندارد.»

همین انتقادات در کنار نحوه عملکرد شورا که نتوانست موضع واحدی برای اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس یازدهم (اسفند ۹۸) بسازد و اصلاح‌طلبان بین تحریم و عدم ارائه لیست و مشارکت فعال در ماندند، کافی است تا شورا را به محاق تعطیلی رسمی ببرد، اما نشانه‌های محکم‌تری هم وجود که اصل سودمند بودن شورای سیاستگذاری را برای اصلاح‌طلبان زیر سؤال می‌برد و آن را به ویترین جذاب دموکراسی تبدیل می‌کند. محسن هاشمی، عضو شورای عالی اصلاح‌طلبان اخیراً گفته که «مسئله اصلی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری، شورای عالی اصلاحات نیست. کارکرد این شورا عمدتاً در انتخابات شورای شهر، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری است که نیازمند انتخاب و تأیید لیست است، ولی در انتخابات ریاست جمهوری که یک فرد باید انتخاب شود، تصمیم معمولاً با بزرگان اصلاحات است که در انتخابات ۱۳۹۲، بین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، جناب آقای خاتمی و بزرگان دیگر انجام شد و در این انتخابات نیز در سطح بزرگان صورت خواهد گرفت.» هاشمی هم شاید نسبت به دیگر اصلاح‌طلبان صداقت و صراحت بیشتری دارد و از همین رو خودش را درگیر نقد و بررسی شورای سیاستگذاری نمی‌کند و اصل وجود مؤثر آن را برای انتخابات ۱۴۰۰ رد می‌کند.

در اردوگاه اصلاح‌طلبان آینده مبهم است؛ همه چیز آشفته است و همه سردرگم هستند؛ آیا این وضعیت ناگزیر آنان است یا بزرگان تکرار کننده، ترجیح می‌دهند فضا به هم ریخته باشد تا روی این ابهام و آشفتگی و سردرگمی، قهرمان تکرارهای به ظاهر نظم دهنده و روشن کننده باشند؟ تا شب انتخابات از راه برسند و با یک دستور از بالا، همه را دیکتاتورمآبانه خاموش و منصرف کنند و در شور وحدت و هیجان انتخاباتی، کسی هم حواسش نباشد که چه سنگ بزرگی به شیشه دموکراسی طلبی اصلاحات خورده است؟

خبر

نامه اقتصاددانان به رئیس‌جمهور برای مدیریت اقتصاد

آقای روحانی! چاپلوسان ندانم‌کار را از خود برانید

۲۴ اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی در نامه‌ای به حسن روحانی، رئیس دولت دوازدهم هفت راهکار را برای خروج اقتصاد از نابسامانی فعلی ارائه کردند.

به گزارش خبرگزاری بسیج، در این نامه خطاب به رئیس جمهور آمده است: شش ماه پیش وقتی در بانک مرکزی فرمودید بلد نیستم با تکیه بر داخل، مشکلات اقتصاد ایران را حل کنم، ۱۰ راهکار روشن اجرایی به شما پیشنهاد دادیم، اما توجهی نکردید و شد آنچه نباید می‌شد. هرچند ابعاد خسارت‌ها به اقتصاد ایران بسیار وسیع است، اما خوشبختانه هنوز هم می‌توان با اجرای سیاست‌های درست، اقتصاد ایران را نجات داد.

در نامه ۲۷ دی ۹۸، از شما خواهش کردیم: صدور مجوزهای کسب و کار را سهل کنید، سفارتخانه‌های ایران را در خدمت صادرکنندگان قرار دهید، بانک‌ها را از خرید و نگهداری املاک منع کنید، بازار سرمایه را مأمور هدایت نقدینگی به‌سوی تولید کنید، به سازمان تأمین اجتماعی دستور دهید برای تأمین مخارجش به جای فشار غیرقانونی بر کارآفرینان، هزینه‌های زایدش را مهار کند، به بانک مرکزی دستور دهید با روش‌های نوین جایگزین سوئیفت نظیر رمزارزها و پیمان‌های پولی دوجانبه تحریم‌های بانکی کشور را کم اثر کند، وزارت کشور را مأمور کنید برای تولیدکنندگان کوچک، مکان فروش ایجاد کند، به وزارت نفت دستور دهید سهمیه بنزین را به جای هر خودرو، به هر کارت ملی تخصیص دهد و نرخ بنزین خارج از سهمیه را سازوکار عرضه و تقاضای سهمیه‌ها تعیین کند، با شناسنامه‌دار کردن همه تراکنش‌های بانکی و تلفیق بانک‌های اطلاعاتی موجود، از فرار مالیاتی ثروتمندان جلوگیری و کسر بودجه موجود را جبران کنید و با تصویب و اجرای قوانین مالیاتی جدید، تقاضای سوداگری را از بازارهای خودرو، مسکن، طلا و ارز بیرون کنید تا سرمایه‌های مردم فقط به‌سوی تولید هدایت شوند.

جناب آقای روحانی، اگر به این ۱۰ راهکار عمل می‌کردید، وضعیت اقتصادی و ارزش پول ملی به این حد سقوط نمی‌کرد. راه برون‌رفت از بحران کنونی مردمی‌سازی اقتصاد است. اکنون و در شرایطی که رکود ناشی از کرونا و تورم بی سابقه، فشار بی‌رحمانه‌ای بر مردم و کارآفرینان وارد کرده، از شما می‌خواهیم بدون فوت وقت، دستور فرمایید علاوه بر اجرای ۱۰ راهکار فوق و در ادامه آنها، این هفت راهکار نیز اجرا شوند:

۱. حذف مجوز برای تولید ماسک و افزایش تولید آن تا رفع کمبود و حتی صادرات، نشان داد حذف مجوزهای زاید چقدر در رشد فوری سرمایه‌گذاری و تولید مؤثر است. بر همین اساس دستور فرمایید حداقل تا پایان کرونا، شروع کسب و کار به‌جز در امور مربوط به امنیت، سلامت و محیط زیست، نیاز به دریافت مجوز از دولت نداشته و صرفاً اعلامی باشد.

۲. تا وقتی دولت کنترلی بر مبادلات پولی درشت و به عبارتی حاکمیت بر ریال ندارد، اداره اقتصاد ایران ممکن نیست. بانک مرکزی را مأمور کنید با استفاده از همه بانک‌های اطلاعاتی موجود و تفکیک حساب‌های شخصی و تجاری، حاکمیت بر ریال را محقق کند و اجازه ندهد صاحبان پول‌های درشت و فراریان مالیاتی، به منافع ملی و بازارهای مختلف خسارت بزنند.

۳. تورم شدید این دو سال، میلیون‌ها ایرانی را به زیر خط فقر برده و ارزش دارایی معدودی ثروتمند را چند برابر کرده است. دستور فرمایید لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم با محوریت اخذ مالیات بر مجموع درآمد اشخاص و مالیات از ثروت‌های کلان، به فوریت تدوین و اجراشود و با منافع حاصله، یارانه چهار دهک فقیر را افزایش دهید.

۴. تاوقتی سود فعالیت‌های نامولد نظیر معاملات مکرر مسکن، خودرو، ارز و سهام از سود تولید بیشتر باشد، سرمایه گذاری و رشد اشتغال محقق نخواهد شد. وزارت اقتصاد را مأمور کنید همزمان با لایحه مالیات بر مجموع درآمد اشخاص (PIT)، لایحه مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) را نیز تهیه و تمهید اجرای آنها را فراهم کند تا جلوی فرار سرمایه و فعالیت‌های نامولد گرفته شود.

۵. رشد اخیر بورس با رشد اقتصادی ایران سازگار نیست. لازم است مالیات بر خرید و فروش سهام را افزایش و کارمزد ارکان بازار را کاهش دهید تا بورس بازی مهار شود و نیز، شرایط ورود شرکت‌های جدید به بازار سرمایه و شرایط افزایش سرمایه شرکت‌های موجود را سهل کنید تا پول‌های وارده به بورس، واقعاً به سوی تولید هدایت شوند.

۶. مأموریت اصلی دیپلماسی ایران، باید تسهیل صادرات و بازگشت ارز حاصله به داخل کشور باشد. سفیر و دیپلمات‌هایی را که نمی‌توانند این مأموریت را درست انجام دهند، به تهران فرابخوانید و پرداخت حق مأموریت همه دیپلمات‌ها در خارج را به رشد منطقی و ماهانه صادرات در حوزه مأموریت آنها و بازگشت ارز آن به کشور مشروط کنید.

۷. تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی منجر به هدررفت منابع ارزی، فساد و رانت شده و قیمت این کالاها نیز در بازار افزایش یافته است. ادامه تأمین ارز از بازار برای تأمین ارز ترجیحی واردات، به افزایش پایه پولی منجر می‌شود و به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود. به عنوان راهکار جایگزین، لطفاً دستور فرمایید دولت معیشت طبقات ضعیف را از طریق اختصاص کارت رفاه الکترونیک برای خرید کالاهای اساسی تضمین کند.

در پایان مجدداً از شما تقاضا می‌کنیم چاپلوسان ندانم‌کار را که اوضاع اقتصادی را به اینجا رسانده اند، از اطراف خود برانید و به جای انتظار بیهوده برای نتایج انتخابات امریکا و به جای اصرار بر طرح‌های مفسده‌زایی نظیر انتزاع وزارت بازرگانی از وزارت صمت یا گسترش مناطق آزاد، به توصیه‌های دلسوزان اقتصاد ایران توجه بفرمایید.

گزیده خبر

شمخانی در پاسخ به وزیر خارجه امریکا عنوان کرد

اعتراف به شکست مقابل ایران بهتر از لاف‌های احمقانه

دبیر شورای عالی امنیت ملی در واکنش به اظهارات وزیر امور خارجه امریکا گفت: اعتراف به شکست مقابل ایران قدرتمند بهتر از لاف‌های احمقانه و بی‌پشتوانه است.

علی شمخانی روز گذشته در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: مایک پمپئو، وزیر امور خارجه امریکا گفته است ما در قبال ایران از اساس تغییر رفتار داده‌ایم چون برابر آنها فقط قدرت جواب می‌دهد نه مماشات.

دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت: بیش از ۴۰ سال است که همه قدرت خود را برای شکست ایران به کار برده اما همچنان ناکام هستید. شمخانی خاطرنشان کرد: اعتراف به شکست مقابل ایران قدرتمند بهتر از لاف‌های احمقانه و بی‌پشتوانه است.

مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا عصر جمعه در تشریح سیاست خارجی دولت ترامپ، چین، روسیه و ایران را تهدیدهای ایالات متحده دانست و استفاده از زور علیه ایران را سیاست جدید واشنگتن توصیف کرد. وزیر خارجه امریکا به ایران اشاره کرد و گفت: ما توافق هسته‌ای ایران را رها و سیاست جدیدی را در قبال ایران اجرا کردیم. ایران را از دستیابی به پول محروم می‌کند، پناه دیپلماتیک را از آنان سلب می‌کند و تهاجم حکومت را متوقف می‌سازد. پمپئو با این ادعا که ایران تأثیرات این سیاست را احساس کرده است، ادامه داد: ترور سردار سلیمانی هم باعث فهمیدن این مسئله شده است که تعهد ما برای بازدارندگی وقتی که او را حذف کردیم، واقعی است. این وزیر ضدایرانی ترامپ در شرایطی به رفتار تروریستی خود افتخار می‌کند که هفته گذشته گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، اقدام تروریستی امریکا در به شهادت رساندن سردار سپهبد قاسم سلیمانی را نقض اصول بین‌المللی دانست. پمپئو در ادامه اظهارات ایران‌ستیزانه خود اعتراف کرد بهترین و نزدیک‌ترین دوست آنها در خاورمیانه، رژیم صهیونیستی است و گفت: امریکا و اسرائیل به حقوق بشر احترام می‌گذارند. البته او نگفت گزارش‌های مکرر سازمان ملل متحد در نقض حقوق بشر رژیم صهیونیستی که منجر به خروج امریکا از شورای عالی حقوق بشری شد، گواه کدامین احترام به حقوق بشر این دو رژیم تروریست است.

مرکز پژوهش‌های مجلس ارزیابی کرد

به ازای هر ۴ طرح فقط یک لایحه تقدیم مجلس شده است

دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی در بررسی اختلال در ابتکار قانونگذاری در ایران اعلام کرد: در سال پایانی دوره دهم (۱۳۹۸)، چهار پنجم ابتکار تقنینی از طریق طرح صورت گرفته است و به بیان دیگر، به ازای هر چهار طرح ارائه شده، فقط یک لایحه به مجلس تقدیم شده است.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی این مرکز روز شنبه در گزارشی با عنوان «اختلال در ابتکار قانونگذاری در ایران؛ آموزه‌هایی برای مجلس یازدهم» آورده است: بررسی کارنامه مجلس دهم نشان می‌دهد، برخلاف «اصل اولویت قانونگذاری از طریق لایحه» (قانونگذاری لایحه‌محور)، در این دوره نیز مانند دوره نهم، تعداد طرح‌های ارائه شده به مجلس به نحو چشمگیری بر تعداد لوایح پیشی گرفته است. بدین ترتیب، آسیب طرح‌محوری در ابتکار قانونگذاری، با سرعت و حدّت، گریبانگیر نظام تقنینی ایران شده است.

این گزارش افزود: در مجلس نهم، از مجموع ۶۹۷ لایحه و طرح ثبت شده در وب سایت مرکز پژوهش‌های مجلس، ۴۸۰ طرح و در مقابل ۲۱۷ لایحه به مجلس تقدیم شد. بدین ترتیب، تعداد طرح‌های ارائه شده، بیش از دو برابر لوایح تقدیمی از طرف دولت بود. در مجلس دهم، مجموعاً ۷۳۳ طرح و لایحه به مجلس ارائه شد. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس عنوان کرد: با در نظر نگرفتن ۱۲ مورد طرح ارائه شده شورای عالی استان‌ها، از ۷۲۱ طرح ارائه شده نمایندگان و لایحه، ۴۹۳ مورد طرح و ۲۲۸ مورد لایحه بوده است. بدین ترتیب در دوره دهم نیز مانند دوره نهم، حدود ۷۰ درصد پیشنهادهای تقنینی، در قالب طرح ارائه شده است.

این گزارش خاطرنشان کرد: در سال پایانی دوره دهم (۱۳۹۸)، چهار پنجم ابتکار تقنینی از طریق طرح صورت گرفته است؛ به بیان دیگر، به ازای هر چهار طرح ارائه شده، فقط یک لایحه به مجلس تقدیم شده است. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، با ذکر شواهد و نمونه‌های متعدد، وضعیت ترسیم شده به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل نظام قانونگذاری، نقد و بررسی شده و پیامدهای سوء غلبه قانونگذاری بر مبنای طرح، تبیین شده است.

پاسخ وزارت خارجه به ادعای یک نماینده

واگذاری اختیار جزایر ایرانی به چین کذب است

روابط عمومی وزارت امور خارجه اظهارات نماینده مردم شازند در مجلس مبنی بر اینکه «بنا بوده است اختیار جزایر ایرانی به چین واگذار شود» را از اساس کذب خواند و تکرار اینگونه ادعاها را ضربه شدید به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دانست.

به گزارش ایسنا، روابط عمومی وزارت امور خارجه با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: اظهارات احمدی بیغش نماینده مردم محترم شازند در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با صدا و سیما مبنی بر اینکه «بنا بوده است اختیار جزایر ایرانی به چین واگذار شود» از اساس کذب بوده و تکرار اینگونه ادعاهای بی اساس ضربه شدید به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌زند. این وزارتخانه با اشاره به پیامدهای اینگونه اظهارنظرهای غیرمسئولانه، از هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی خواست نسبت به اینگونه موارد رسیدگی شایسته داشته باشد.

روابط عمومی وزارت خارجه در ادامه، ضمن رد هرگونه ادعا درباره واگذاری، اجاره، مدیریت و یا دیگر اشکال ادعایی در خصوص جزایر ایرانی تصریح کرد: سند همکاری‌های ۲۵ ساله با چین که از اعتماد عالی و روابط جامع راهبردی میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین حکایت دارد افتخارآمیز و در راستای منافع ملی است و انتظار این بود که پس از توضیحات مفصل وزیر محترم امور خارجه در نشست هفته گذشته کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی شاهد تکرار اینگونه مطالب که در عمل ضربه به اعتبار اظهارات نمایندگان محترم مجلس و خدشه به منافع ملی است، نباشیم.

اخیراً گفت‌وگویی از محمود احمدی بیغش، نماینده مردم شازند و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در خصوص همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در فضای مجازی منتشر شده که حواشی بسیار زیادی در پی داشته است.

طبق آنچه از مصاحبه وی در رسانه‌ها بازنشر داده شده، آقای بیغش گفته است قرار بر این بوده بر اساس این همکاری، اختیار جزایر ایرانی به کشور چین واگذار شود! این اظهار نظر از سوی این نماینده مجلس در حالی صورت گرفته که هنوز سند قرارداد همکاری‌های ایران و چین تنظیم نهایی نیز نشده و بارها و بارها ادعاها مبنی بر واگذاری اختیار جزایر ایرانی به چینی‌ها تکذیب شده است.

در همین رابطه خبرگزاری تسنیم در گفت‌وگو با وی در خصوص علت بیان چنین اظهاراتی سؤال کرده که احمدی بیغش گفت: بنده پیش‌نویس توافق ایران و چین را خوانده‌ام و اصلاً هیچ کجای این متن، بحثی درباره واگذاری جزایر ایرانی به کشور چین مطرح نشده است. من اگر هم گفتم تکذیب می‌کنم این [واگذاری اختیار جزایر به چینی‌ها] صحت ندارد.